

نظام‌های سیاسی در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۱۸

تاریخ تأیید: ۹۵/۰۶/۲۴

محمدباقر نقوی

چکیده

حضرت امام خمینی(ره) رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حرکت انقلابی خود را با پشتوانه قرآن کریم به انجام رساندند و در این مسیر با توجه به تفاسیری سیاسی که از آیات الهی ارائه دادند، به این حرکت عظیم مشروعیتی الهی بخشیدند. بنابراین مسأله مقاله حاضر این است که امام خمینی(ره) در تفسیری که از قرآن ارائه داده‌اند چگونه نظام‌های سیاسی قرآنی را مطرح کرده‌اند؟ (مسأله). البته این امر منوط است به عرضه سوالات به تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) و استخراج پاسخ مناسب که در این تحقیق با روش تیندر این امر صورت پذیرفته است (روش). گونه شناسی نظام‌های قرآنی و تقسیم آنها به نظام‌های حق و باطل و همچنین بیان کارویژه‌های مخصوص به هر کدام از این نوع نظام‌ها از اهم نکات به دست آمده در این مقاله می‌باشد. از جمله مهمترین کارکردهای نظام‌های سیاسی حق محور می‌توان به، دعوت مردم به توحید و قیام برای خداوند و برپایی عدالت در جامعه اشاره نمود و همچنین از جمله اصلی‌ترین کارکردهای نظام‌های باطل می‌توان به ایجاد فساد در روی زمین اشاره کرد (یافته‌ها). از آنجایی که موضوع نظام‌های سیاسی و کارکردهای آنها را می‌خواهیم به تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) عرضه کرده و مسائل آن را استخراج کنیم بنابراین با در دست داشتن برخی پیش فرض‌ها از جمله جامعیت و جاودانگی قرآن کریم و با هدف به تصویر کشیدن مرجعیت علمی آیات الهی، قدم در این مسیر نهاده‌ایم (هدف).

واژه‌های کلیدی: امام خمینی(ره)، سیاست، تفسیر، تفسیر سیاسی، تفسیر سیاسی امام خمینی(ره).

مقدمه

خداوند متعال خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «و ما بر تو این کتاب را نازل کردیم که بیانگر همه چیز است و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است^۱». و همچنین می‌فرماید: «اوست که این کتاب آسمانی را که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است^۲». همان‌گونه که مشاهده می‌شود این آیات و آیات مشابه دیگری در قرآن وجود دارند که بیانگر جامعیت این کتاب آسمانی می‌باشند. این آیات به منزله کلام وحی و آخرین پیام الهی برای سعادت بشر، تأثیر و جایگاه مهمی در زندگی فردی و اجتماعی بشر دارند. بنابراین قرآن کریم با توجه به جامعیت و فراگیر بودنش، علاوه بر بیان اعتقادات و احکام فردی، به احکام اجتماعی، سیاسی و حقوقی نیز توجه ویژه‌ای دارد. یکی از راه‌های تبیین این امر بررسی دیدگاه‌های قرآن کریم در باب سیاست است تا بتوان پیام الهی را به درستی دریافت کرده و در زندگی سیاسی- اجتماعی خود به کار برد. از آنجایی که تفسیر قرآن کشف نکات و کنار زدن لایه‌ها و شناخت پیام‌ها به اندازه معرفت انسان و پرسش‌گری اوست؛ لذا گاهی به خاطر احساس نیاز و ضرورت، ذهن و روان مفسران قرآن در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، به یکی از آنها تمایل می‌یابد و سمت و سوی خاصی پیدا می‌کند. بنابراین گاهی توجه و جهت‌گیری مفسر، جهادی و سیاسی و مبارزه با حکومت‌های فاسد است و از این رو به آیات سیاسی قرآن توجه بیشتری پیدا می‌کند. تاریخ یکصد ساله اخیر مسلمانان نشان دهنده آن است که جنبش‌های سیاسی-اسلامی صرف نظر از نوع گرایش‌های سیاسی- فکری خود از قرآن به عنوان منبع اندیشه و حرکت خود استفاده برده‌اند. همچنین در تاریخ یک صد ساله اخیر ایران نیز مصلحان

۱. نحل، آیه ۸۹.

۲. انعام، آیه ۱۱۴.

سیاسی - مذهبی بسیاری وجود دارند که حرکت‌های اصلاحی خود را با قرآن و تفسیر آن همراه نموده‌اند. نمونه بارز این مصلحان حضرت امام خمینی(ره) رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی هستند که حرکت انقلابی خود را با پشتوانه قرآن کریم به انجام رساندند و در این مسیر با توجه به تفاسیری سیاسی که از آیات الهی ارائه دادند، به این حرکت عظیم مشروعیتی الهی بخشیدند. با توجه به مطالب فوق مسأله مقاله حاضر این است که امام خمینی(ره) در تفسیری که از قرآن ارائه داده‌اند چگونه نظام‌های سیاسی قرآنی را مطرح کرده‌اند؟ در این باره بدون شک تبیین موضوع و بیان مراد از نظام‌های سیاسی و همچنین تفسیر سیاسی نکته مهمی به نظر می‌رسد که در اینجا باید در حد توان مقاله حاضر به آن بپردازیم.

مفاهیم پژوهش

برای تعیین مراد از تفسیر سیاسی و نظام سیاسی در نگاه امام خمینی(ره) ابتدا باید دو مفهوم اساسی سیاست و تفسیر را به درستی تبیین کرده و در مرحله بعد این مفاهیم را از منظر امام خمینی(ره) بیان کنیم. بنابراین می‌توان گفت که سیاست علمی است که همه شکل‌های رابطه‌های قدرت را در زمان و مکان‌های گوناگون بر می‌رسد و جهت و چگونگی اعمال این قدرت را می‌نمایاند (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۹). اندیشمندان اسلامی نیز - به طور معمول - با رویکرد غایت‌گرایانه، سیاست را به کشورداری(تدبیر ملک) و استصلاح امت تعریف کرده‌اند (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵). البته درباره مفهوم سیاست تعاریف متفاوتی ارائه شده است که در کل می‌توانیم همه تعاریف ارائه شده را در چارچوب دو پارادایم «قدرت محوری» و «هدایت محوری» دسته‌بندی کنیم (لکزایی، ۱۳۸۱، ص ۸۵). تقریباً تمام تعاریف ارائه شده از سوی اندیشمندان غربی و غیراسلامی، واجد جنبه ایستایی و فاقد جنبه پویایی و هدایت‌گری است، در حالی که در اندیشه اسلامی و به ویژه دیدگاه امام خمینی(ره) جنبه پویایی و هدایت‌گری وجود دارد. امام خمینی(ره)، هم در تعریف "سیاست" به بُعد «هدایت محوری» آن توجه کرده‌اند

(خمینی، تفسیر سوره حمد، ص ۲۴۶)، و هم با توجه به معنای بسیاری از آیات قرآن در تبیین معنای "تفسیر" نیز به بُعد هدایتگری قرآن کریم اشاره کرده (خمینی، تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۳۶۲) و در تعریف تفسیر می‌فرمایند: "به طور کلی، معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد" (خمینی، آداب الصلاة، ص ۱۹۳-۱۹۵). بنابراین مفسر وقتی مقصد از نزول را به ما بفهماند، مفسر است، نه سبب نزول به طوری که در تفاسیر وارد است (خمینی، آداب الصلاة، ص ۱۹۳-۱۹۵). بنابراین در دیدگاه امام خمینی (ره) تفسیر، به اغراض و مقاصد قرآن و سوره و آیات و موضوعات ختم می‌شود. در نتیجه با توجه به معنا و مفهوم سیاست و تفسیر در دیدگاه امام خمینی (ره) می‌توان گفت که تفسیر سیاسی قرآن در اندیشه ایشان استخراج و شناساندن مقصود صاحب کتاب در رابطه با مقوله‌های اجتماعی و سیاسی پیش روی بشریت است، به نحوی که هدایت‌گر وی باشد. البته ناگفته نماند که تفسیر سیاسی قرآن یک پدیده نوپیدا و جدید است و در چالش سنت و مدرنیته شکل گرفته و تعریف معتبر و قابل استنادی برای آن پیدا نمی‌شود (خان‌محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵).

در رابطه با نظام سیاسی نیز باید گفت که نظام سیاسی، نظامی است که به امور سیاسی و دولت می‌پردازد. نظام سیاسی به معنای همان نظامی است که امور جامعه را اداره می‌کند. یعنی همان قوانینی که با آن، امور اجتماع را تدبیر می‌کنند. هیچ جامعه‌ای بدون نظام سیاسی نمی‌تواند به پای خود بایستد مگر آن که از اصل بی‌نظم و قانون باشد (عالم، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱-۱۵۲). البته منظور از «نظام سیاسی» دولت و حکومت به معنای عام آن است. دولت به معنای عام سازمان قدرت به حساب می‌آید. این سازمان تشکیل شده است از افراد، که معمولاً با عنوان «حاکمان» و «رهبران» از آنها یاد می‌کنیم و نهادها که هر کدام کار ویژه‌های تعریف شده‌ی مربوط به خودشان را انجام می‌دهند (لکزایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰). در جهان اسلام متفکران مسلمان نوعاً به نظام‌های اجتماعی دو رویکرد داشته‌اند: مبنای یکی از این رویکردها، گستره و قلمرو جغرافیایی است و مبنای منشأ

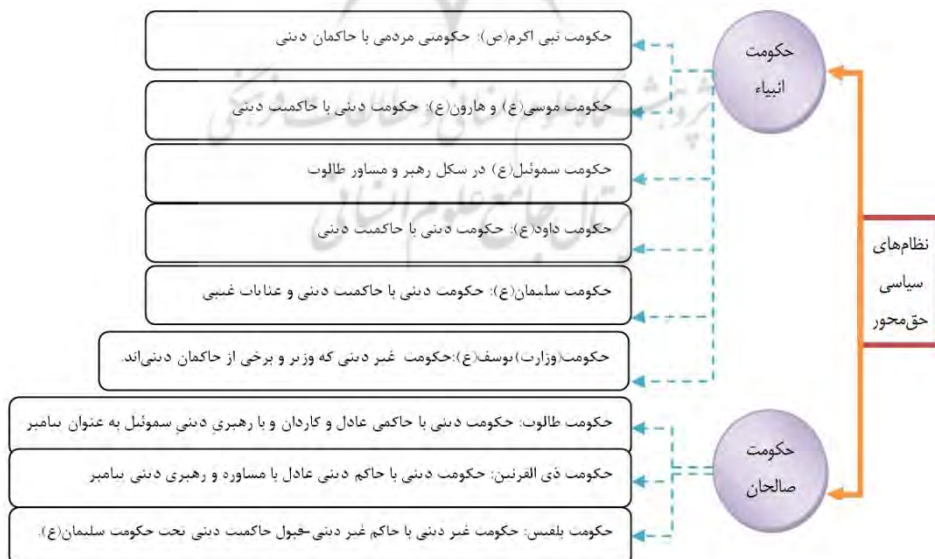
دیگر، اهداف و غایاتی است که نظام اجتماعی باید در صدد رسیدن به آنها باشد و وظیفه نظام سیاسی نیز اهتمام به تأمین آنهاست (لکزایی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳). روشن است که نظریه‌های مختلف نظام سیاسی در اسلام، ساختار و کارویژه‌های متفاوتی را برای دولت اسلامی تعریف می‌کنند(فیرحی، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

روش شناسی: استخراج دیدگاه‌های تفسیری امام خمینی(ره)

شیوه نگارش مفسران در تفسیر یکسان نیست و بر اساس سلیقه و ذوق و یا با توجه به مخاطب خاص، اسلوب‌های نگارش و سبک پردازش مطلب متفاوت است. امام خمینی(ره) در میان گرایش‌های تفسیری به گرایش عرفانی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی توجه بیشتری نشان داده است، همان طور که در تفسیر خویش جهت‌گیری سیاسی، جهادی و تقریبی را نمایان ساخته است. ایشان در اسلوب‌های تفسیری به تفسیر ترتیبی در تفسیر سوره حمد روی آورده و به صورت پراکنده تفسیرهای موضوعی کوتاهی در ضمن مباحث بیان کرده‌اند. بنابراین نوع بررسی آیات سیاسی قرآن و روش تفسیری ما در این نوشتار با توجه به - روش گلن تیندر - مطرح بوده و سیر بحث، ترتیب و گزینش آیات بر اساس بحث‌های علوم سیاسی است. البته از آنجایی که حضرت امام(ره) تفسیری را به این صورت که منظور ما در این تحقیق است - یعنی تفسیر سیاسی قرآن - ارائه نداده‌اند بنابراین در این باره ما با اعتقاد به جامعیت علمی قرآن کریم، با عرضه کردن مهمترین سوالات مطرح در علوم سیاسی در باب انواع نظام‌های سیاسی به آثار ایشان آیاتی را که امام(ره) تفسیر کرده بودند را جمع‌آوری کرده‌ایم. گونه شناسی نظام‌های سیاسی قرآنی و بیان ساختار و کارکردهای مخصوص به هر کدام از این نظام‌ها، نقش و وظایف مردم در این گونه نظام‌ها، اصلی‌ترین اهداف برپایی نظام سیاسی-الهی و در نهایت شرایط و ویژگی‌های رهبری نظام سیاسی اسلامی از جمله مهمترین سوالاتی است که مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخ مناسب از تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) می‌باشد.

گونه شناسی نظام‌های سیاسی در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره)

هر یک از نظام‌های سیاسی به دنبال هدفی خاص است. فیلسوفان سیاسی درباره این اهداف متفق القول نیستند. به عنوان مثال فلاسفه سیاسی مسلمان و از جمله امام خمینی(ره) «قرب به خدا» و «لقاءالله» را مقصد نهایی و هدف اساسی می‌دانند (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۹۵). هدف نظام سیاسی از منظر فیلسوفان سیاسی چیزی است که تمام ارکان و نهادهای اجتماعی و سیاسی را جهت می‌دهد و همه در جهت رسیدن به آن تلاش می‌کنند و نه یکی از نهادهای اجتماعی مثل نهاد حکومت (لکزایی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷-۱۶۸). تنها محور اساسی در میان تمامی نظام‌های سیاسی این است که در واقع، تمامی این نظام‌ها به دنبال تأمین سعادت هستند. تنها مسأله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که در نظام‌های غیرفاضله، سعادت حقیقی جای خود را به سعادت‌های پنداری، توهمی و خیالی می‌دهد. با بررسی آیات قرآن کریم و تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) به دو نوع نظام سیاسی متفاوت دست می‌یابیم که در این مقاله این نظام‌ها را با نام نظام سیاسی حق‌محور و نظام سیاسی باطل‌محور معرفی می‌کنیم. برای نظام‌های سیاسی حق‌محور و پسندیده مصادیق روشنی ذکر شده است که ما در اینجا آنها را با دو عنوان حکومت انبیاء و حکومت صالحان بیان می‌کنیم:



همانگونه که می‌دانیم از میان انبیای سلف تنها تعداد اندکی از آنها موفق به فرمانروایی و برقراری حکومت شده‌اند که خداوند متعال در قرآن کریم در ضمن آیات الهی حتی اعطای ملک و فرمانروایی آنان را به خود نسبت داده است. با توجه به این تقسیم‌بندی به یک نمونه از این حکومت‌ها که در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) مطرح شده است اشاره می‌کنیم:

حکومت حضرت داود علیه السلام

بدون تردید حضرت داود علیه السلام از انبیاء برگزیده خداست و همچون انبیای دیگر امتحاناتی را در زندگی پر فراز و نشیب خود پشت سر گذاشته و موفق بوده است. روشن‌ترین این امتحانات جعل حکومت و داوری در میان مردم برای آن حضرت می‌باشد. اما اختصاص حکم و حاکمیت به خداوند سبحان موجب آن است که هر جا سخن از حکم غیر او باشد، تصریح می‌کند که آن را خداوند در راستای حکم خویش به عنوان وظیفه بر عهده آن غیر گذاشته است (علم الهدی، ج ۱، ص ۱۲-۱۳)، چنانکه درباره حضرت داود علیه السلام در آیه ۲۶ سوره ص فرمود: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ...» ترجمه: ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن...» حضرت امام(ره) با اشاره به این آیه معتقدند که: به واسطه تعلیم انبیا و تربیت علما و مربیان، قوه کامله انسانی، فعلیت پیدا می‌کند و ظهور می‌نماید و مقام حیوانیت او تسلیم مقام انسانیتش می‌شود... و بعد از تسلیم شدن شهوت و غضب به مقام عدل و شرع، عدالت در مملکت بروز می‌کند و حکومت عادلانه حقه تشکیل می‌شود که کار کن در آن و حکمفرمای در آن حق و قوانین حقه باشد، و قدمی بر خلاف حق در آن گذاشته نشود و بکلی از باطل و جور عاری و بری می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹-۱۷۰). آیه شریفه فوق و آیاتی دیگر به ویژگی‌های داود در داشتن فرماندهی مناسب در جنگ تا سر حد کشتن جالوت اشاره می‌کند. خداوند در مقابل داود را

به مُلک، حکمت و فنون دیگر پاداش می‌دهد. آهن را برای او نرم می‌کند و شیوه ساختن زره را به او می‌آموزد و زبور را عطا می‌کند (قاضی زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۱۳).

اهداف برپایی نظام سیاسی حق محور

در نگاه امام(ره) نظام سیاسی حق محور دارای شرایط خاصی است و از این جهت برپایی این نوع نظام سیاسی باید دارای اهداف ویژه‌ای باشد. بدین جهت ایشان با اشاره به آیات کتاب الهی شرایطی را متذکر می‌شوند. امام(ره) در این باره با بیان آیه ۴ سوره قصص: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُدَبِّحُ بُتَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» در مورد این شرایط و اهداف می‌فرماید: "شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی ادامه پیدا کند. دلایل این کار واضح است:

۱. چون برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است.

۲. همچنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیر اسلامی نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش طاغوت است؛ و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم.

۳. و باز به این دلیل که موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم (امام خمینی(ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۵).

همانگونه که می‌بینیم ایشان برقراری نظام سیاسی اسلامی را از مهمات قلمداد می‌کنند و بر این باور هستند که اگر جامعه‌ای بخواهد به سمت تعالی بشریت گام بردارد، در آغاز باید نظامی را طراحی کند که تمام ارکان آن نظام در پی تربیت الهی بشر باشد. بنابراین وظیفه اولیه هر مسلمانی است که در این مسیر تلاش کرده و با کمک به برپایی

چنین نظامی ضمن ریشه‌کن کردن شرک و ظلمات از جامعه، احکام و دستورات الهی را به اجرا بگذارد.

شرایط زمامدار در نظام سیاسی حق‌محور

در فرهنگ اسلامی، رهبری و امامت عبارت از سیاستی است که اساس آن متکی بر وحی بوده و شامل همه روابط انسانی می‌گردد و بنیادها، نهادها، روابط اجتماعی، آراء، عقاید، فرهنگ، اخلاق، بینش‌ها، سنت‌ها، خواسته‌ها و به طور کلی روابط فرد با فرد، فرد با خدا، فرد با خود و فرد با طبیعت را سمت و سوی الهی می‌دهد. امام و رهبر، انسان کامل و متعهد و مسئولی است که حکومتش بر اساس مکتب به منظور ایجاد تحول و تکامل هر چه سریعتر فرد و جامعه و هدایت آنها به سوی کمال شکل می‌گیرد (لکزایی، ۱۳۸۱، ص ۸۶). مهمترین مسأله‌ای که در یک نظام سیاسی حق‌محور و قرآنی وجود دارد که در واقع بدون آن تحقق چنین نظامی دور از ذهن است نوع زمامدار نظام می‌باشد. از آنجایی که قوام یک نظام سیاسی به زمامدار و رهبر آن است در آموزه‌های قرآنی برای چنین فردی شرایط ویژه‌ای بیان شده است. حضرت امام خمینی(ره) در تفسیر خویش از آیه ۱۲۴ سوره بقره: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا تَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» در رابطه با شرایط رهبر و زمامدار نظام اسلامی چنین می‌نویسد: شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از:

۱. علم به قانون: چون حکومت اسلام حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد. چنانکه در روایت آمده است. نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد، هر شغل یا وظیفه و مقامی داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد... اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت نیست.

۲. عدالت: زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد؛ و دامنش به معاصی آلوده نباشد. کسی که می‌خواهد «حدود» جاری کند، یعنی قانون جزای اسلام را به مورد اجرا گذارد، متصدی بیت المال و خرج و دخل مملکت شود، و خداوند اختیار اداره بندگان را به او بدهد، باید معصیت کار نباشد: «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» خداوند تبارک و تعالی به جائر چنین اختیاری نمی‌دهد. زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیاتها و صرف صحیح آن، و اجرای قانون جزا، عادلانه رفتار نخواهد کرد؛ و ممکن است اعوان و انصار و نزدیکان خود را بر جامعه تحمیل نماید، و بیت المال مسلمین را صرف اغراض شخصی و هوسرانی خویش کند. «قانوندانی» و «عدالت» از نظر مسلمانان شرط و رکن اساسی است.

بنابراین، نظریه شیعه در مورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده‌دار آن شوند در دوره رحلت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا زمان غیبت واضح است. به موجب آن امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد (امام خمینی(ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۴۸-۴۹).

کارکردهای نظام سیاسی حق محور

کارویژه نظام سیاسی حق محور آن گونه خدمت و وظیفه‌ای است که اگر این نظام سیاسی نباشد انجام نخواهد شد. طبق بیان پیشین از منظر امام خمینی(ره) هدف نظام سیاسی و دولت زمینه‌سازی برای تقرب به خداوند است. بنابراین تمام تصمیمات و برنامه‌ها در نظام سیاسی اسلام از جمله توسعه و تعالی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عمرانی در همین مسیر خواهد بود. در نگاه امام(ره) همه پدیده‌های جهان وابسته و آفریده خدا هستند. خدا قدرت برتر است و به همه خصلت‌های نیک چون علم، قدرت، اراده و تدبیر و... آراسته است. مخلوقات همه چیز خود را از او دارند. از منظر امام(ره) ما مسافرانی هستیم که چند روزی در دنیا هستیم و باید مراقب باشیم از دستورات الهی سرپیچی نکنیم

(صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱). در این میان فلسفه نیاز انسان به رهبری الهی این است که او نمی‌تواند نیازهای معنوی خود را درک کند و برطرف نماید. بنابراین انبیاء عهده‌دار تزکیه انسان هستند. حضرت امام خمینی(ره) تمام تاریخ را بر اساس دو محرک تحلیل می‌کند: یکی محرک الهی که انبیاء در صدد تقویت آن بوده‌اند و یکی محرک شیطانی و نفسانی که ابلیس سوگند یاد کرده که بر سر راه انسان‌ها بنشیند و آنها را گمراه کند. قیام لله به عنوان یگانه موعظه خدای حکیم محور حرکت الهی تاریخ است، در حالی که قیام للنفس محور حرکت شیطانی و نفسانی تاریخ است (لکزایی، ۱۳۸۷، ص ۸۴-۹۱). در این باره امام(ره) با اشاره به آیه ۴۶ سوره سبأ «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ» چنین بیانی را ارائه می‌دهند:

قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خَلْت رسانده و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رهانده. قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صَعْق و صَخُو کشاند. قیام برای خداست که خاتم النبیین ﷺ را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» رساند. خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده(صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱).

به نظر حضرت امام(ره) تمام انسان‌ها برابرند و هیچ یک بر دیگری حق ولایت و سرپرستی سیاسی ندارند و تنها خداوند از حاکمیت ذاتی برخوردار است. خداوند متعال نیز حق حکومت را به انبیا واگذار کرده و آنها را برای حکومت بر مردم نصب نموده است. ایشان می‌فرمایند: مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجراییه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم ﷺ در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. برخی از انبیا حکومت تشکیل داده و جامعه را اداره کردند مانند

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که هم ولایت ابلاغ وحی داشت و هم ولایت در حوزه‌های اجرایی و قضائی. این وظیفه (وظیفه اجرای احکام و هدایت مردم) پس از ایشان به امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام منتقل گردید. حضرت امام خمینی (ره) در این باره با تفسیر آیه ۶۶ سوره مائده «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» چنین می‌فرماید: علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را به وجود آورد. وظیفه اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود که تعیین خلیفه را تا حدی مهم گردانیده بود، که بدون آن پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» رسالت خویش را به اتمام نمی‌رسانید. زیرا مسلمانان پس از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز به کسی احتیاج داشتند که اجرای قوانین کند؛ نظامات اسلام را در جامعه برقرار گرداند تا سعادت دنیا و آخرتشان تأمین شود (امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ص ۱۷). بنابراین یکی از وظایف اساسی رهبران جامعه اسلامی این است که در همه حال در کنار مردم بوده و آنها را از تیرگی‌های دنیا رهایی دهند و به سمت نور و روشنایی‌ها روانه سازند. بنا به اعتقاد امام (ره) انبیای الهی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دارای چنین وظیفه اساسی و خطیری هستند. ایشان با اشاره به آیه ۲۵۷ سوره بقره: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» ضمن تقسیم مردم به دو گروه مومن و کافر، مومنان را تحت تربیت انبیاء وارد کرده و شغل انبیاء را اخراج مردم از ظلمت به نور می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: تنها راه تربیت و تعلیم راهی است که از ناحیه حق تعالی و به وسیله انبیاء ارائه می‌شود (صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۵۰۴).

برپایی عدالت در جامعه

بدون شک لازمه اعتقاد به رهبری الهی و از جمله نبوت، دخالت در سرنوشت اجتماع نیز می‌باشد. بنابراین هدف و مقصود انبیای الهی نیز دخالت در اجتماع بشری برای برپایی عدالت در جامعه بود. حضرت امام خمینی (ره) در این باره با اشاره به آیه ۲۵ سوره حدید: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» چنین تفسیری ارائه داده‌اند: «خدای تبارک و تعالی می‌فرماید

که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان برایشان دادیم و فرستادیم لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم‌ها از بین برود.. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۱۰). بنابراین یکی از وظایف حساس و مهم نظام‌های سیاسی حق محور و آنها که برای خداوند در روی زمین حکومت می‌کنند این است که بنیان نظام‌های خودکامه را به هم بریزند و مردم را از زیر یوغ مستکبران جهان رها سازند. در این باره حضرت امام خمینی(ره) بارها با بیان داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و فرعون، نتیجه می‌گرفتند که رهبران الهی در هر عصر و زمانی باید در برابر طاغوتیان مبارزه کنند و بساط آنها را برچینند. به همین سبب ایشان در بیانات خویش با اشاره به آیه ۱۷ سوره انفال: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبَيِّنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» می‌فرماید:

... انبیاء به دنبال شکستن کنگره‌ها و کاخ‌های ظلم و بودند. انبیاء مسلط بر نفس خویش بودند. انبیا خدمت گزار مردم بوده اند. انبیا جلوه رحمت حق تعالی بوده اند. انبیا ثبات قدم داشته اند. انبیا در مقابل مستکبرین قیام می‌کردند. همچون قیام موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در برابر فرعون و مانند قیام رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر ضد قریش. ظل الله واقعی رهبران الهی هستند و نه سلاطین ستم کار و طغیان‌گر. عصمت موجود در انبیا آنها را ظل الله می‌کند. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۳۸).

جهاد در راه خداوند

یکی از وظایف حساس و بسیار مهم نظام سیاسی حق محور که باید وقت خود را صرف این کار نماید و مردم را هر روز برای آن آماده کند بحث جهاد در راه خداوند است. حضرت امام در این باره به ملت هشدار داده و با اشاره به آیه ۷۶ سوره نساء می‌فرماید: «ملت عزیز ایران! بیدار باشید که سالیان دراز مبارزه در پیش دارید، ابرقدرت‌ها برای نابودی شما هر روز نقشه می‌کشند؛ ولی «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۷۵)... این آیه محک است برای اینکه ما خودمان را بشناسیم... اگر چنانچه مقصد، مقصد طاغوتی است، عمل، عمل طاغوتی می‌شود. و اگر مقصد، مقصد الهی است،

عمل، عمل الهی می‌شود و راه فهم خود آدم است. خود ما می‌دانیم، می‌فهمیم که کارهایی که انجام می‌دهیم-چه قتال باشد چه کارهای دیگر-» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۰). ایشان همچنین با حساس جلوه دادن این مسأله با تذکرات بسیاری اذهان مردم و مسؤولین نظام را به عظمت و اهمیت شهادت و جهاد در راه خداوند معطوف می‌کنند. به همین دلیل امام (ره) در تفسیر آیه ۷۵ سوره نساء «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ...» می‌فرمایند: «اسلام عزیز با فداکاری و فدایی دادن عزیزان رشد نمود. برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده. قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأس برنامه‌های اسلام است» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۷۹). همچنین از دیدگاه ایشان عامل مهم و مؤثری که باعث بقای دولت اسلامی بوده و مسؤولین نظام سیاسی حق‌محور باید به دنبال آن باشند این است که اذهان مردم و افق دید آنها را نسبت جهاد و شهادت وسعت دهند تا با پشتوانه مردم مقبولیت نظام سیاسی حاصل شود زیرا مقبولیت و مشروعیت در نظریه سیاسی امام خمینی (ره) بسیط، تک عاملی و یک سویه نیست، بلکه ترکیبی و چند سطحی است. یکی از این سطوح روش مشروع نیل به حاکمیت یا کسب قدرت، یعنی مقبولیت عمومی و بیعت مردم است. درباره نقش مردم امام به صورت قاطع معتقد و مدعی اثر بخشی، تحقق بخشی، قدرت بخشی، کارآمدی یا ارتقای آن با رأی و رضایت مردم است. ایشان پیدایی، پویایی و پایداری نظام سیاسی و دولت را ناشی از حضور، مشارکت، رضایت و حمایت مردم می‌داند (لکزایی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸). ایشان در این باره می‌فرمایند: "توجه دارند آقایان که تاملت در کار نباشد، نه از دولت و نه از استانداران کاری نمی‌آید... همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید در همه امور" (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۷۹). در جای دیگری می‌فرمایند: "پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است؛ ملت از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می‌ماند، و مردم هم پشتیبان شما" (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۱۲).

جلوگیری از مظالم و آماده سازی مسیر تکامل انسان

از آیات متعددی به دست می‌آید که حکومت اسلامی یکی از نعمت‌های بزرگ خداست و این نیست مگر به خاطر نقش مهمی که در نظم جامعه انسانی و جلوگیری از مظالم و ستم‌ها و فراهم ساختن شرایط تکامل انسان‌ها دارد. هدف اصلی و مقصد قرآن در نگاه امام خمینی(ره) انسان سازی و تکامل انسانی است؛ پس هدف اصلی حکومتی هم که بر پایه تعالیم قرآنی بنا شده باشد باید آماده سازی مسیر تکامل انسان بوده و تمام تلاش خویش را صرف برقراری حیات معنوی و رشد اخلاقی و در نهایت الهی شدن انسان نماید. ایشان البته با اشاره به آیه ۲۰ سوره مائده: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» بزرگترین عظمت در پیشگاه خداوند و عالیترین درجه تکامل انسانیت را شهادت می‌داند که این نعمت الهی نیز نصیب ملت ایران شده است (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۶-۱۹۷). بنابر دیدگاه امام(ره) برای هموار کردن مسیر بندگی بشریت یکی از وظایفی که متوجه کارگزاران حکومت اسلامی و الهی می‌شود و آنها در همه حال ملزم به اجرای آن هستند این است که حدود الهی را که از طریق حاکمان و پیامبران الهی تبیین شده‌اند را در جامعه اجرایی کنند. ایشان با نگاهی متفاوت به اجرای حدود الهی در جامعه، ضمن بیان تعریف دقیق آن، به بعضی از شبهات نیز جواب می‌دهند. به این صورت که با اشاره به آیه ۱۷۹ سوره بقره: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» می‌فرمایند: «حدود الهی برای تربیت جامعه است؛ نه برای انتقامجویی. اگر قاتل را نکشند، قتل زیاد می‌شود» «وَفِي الْقِصَاصِ حَيَوَةٌ...» در قصاص زندگی است. اگر آن آدمی که فلان کار را می‌کند و در شرع برایش فلان جزا را قرار داده‌اند، اگر این جزا نباشد امثالش زیاد می‌شود (صحیفه امام، ج ۷، ص: ۳۱۴). از آنجایی که تمام اهداف امام(ره) از انقلاب اسلامی این بود که احکام اسلام ناب محمدی ﷺ را در کشور اجرا کنند به همین منظور ایشان در هر مناسبتی که پیش می‌آمد به این امر مهم تأکید می‌کردند. ایشان در این

زمینه در جایی می‌فرمایند که نباید به ظاهر این انقلاب که همان رهایی از بند استکبار بود بسنده کرد بلکه هدف ما این است که در کشور تحولی بزرگ اتفاق بیفتد و آن اتفاق، اجرای احکام اسلام عزیز است. ایشان با اشاره به آیه ۲۷۹ سوره بقره: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» می‌فرمایند:

باید همه ملت متحول بشود... که ما مطابق نظام اسلام عمل کنیم. رباخواری مخالف با نظام اسلام است. جنگ با خداست، به حسب قرآن «فَأَذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ» بیایید به جنگ خدا. اینها به جنگ خدا رفتند. اگر بازار مسلمانها باز همان بازار زمان طاغوت باشد، نمی‌تواند بگوید که من رژیم اسلامی را قبول کردم. نخیر، شما در تحت رژیم شیطان هستید و طاغوت هستید [هنوز] و هکذا همه قشرها (صحیفه امام، ج ۱، ص: ۵۰۴).

عدم تکیه و سازش با ستمگران

در نهایت می‌توان گفت که یکی از بارزترین آموزه‌های قرآنی که همواره مورد تأکید امام خمینی (ره) نیز بوده، عدم اعتماد و تکیه بر ستمگران و گمراهان و کافران و همچنین عدم سازش با آنان است به طوری که در بعضی از آیات می‌خوانیم که باید آنقدر با آنان مبارزه کرد که یا تسلیم شوند و یا از بین بروند. در این رابطه حضرت امام (ره) به تمامی کشورهای اسلامی هشدار می‌دهند که نباید به وعده‌های مستکبرین دلخوش باشند. ایشان در تفسیر آیه ۱۱۳ سوره هود: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» در این باره می‌فرمایند: «این جانب... به دولت‌های کشورهای اسلامی هشدار می‌دهم که از اشتباهات گذشته دست بردارند و با یکدیگر دست برادری دهند و با خضوع در مقابل خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام، دست ظالمانه جباران و غارتگران جهانخوار خصوصاً امریکا را از منطقه کوتاه کنند (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۳).

نقش مردم در نظام‌های سیاسی حق‌محور

در دنیای امروز که متأسفانه با زیر پا گذاشتن اخلاق انسانی و اجتماعی، عوام‌فریبی در سیاست‌های دنیوی و مادی ریشه دوانده و تسلط حاکمان منفعت‌طلب بر عموم مردم، آن‌ها را از حالت فعال بودن در جامعه خارج کرده و تقریباً اکثریت مردم را به عنوان ایزاری برای رسیدن به هدف خود تربیت می‌کنند، قرآن کریم در ضمن آیاتی در برابر تمامی این فریب و نیرنگ‌ها ایستاده و نقش فعالی را برای مردم جامعه ترسیم می‌کند تا آنها با توجه به فرامین الهی بتوانند خود و تمام بشریت را از بردگی حکام ظالم برهانند. در طول تاریخ نیز تعداد اندکی از افراد بوده‌اند که مردم را متوجه وظایف اصلی خود کرده و در این مسیر تلاش نموده‌اند. نمونه بارز این افراد بدون شک امام خمینی(ره) است که در نظام فکری ایشان مردم و حکومت نمی‌توانند جدای از هم باشند. ایشان با اعتقاد به نقش محوری مردم در شکل‌گیری حکومتها تأکید می‌کنند که: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۶۷). همانگونه که از آثار امام(ره) و همچنین از زندگی عملی و انقلابی ایشان به دست می‌آید، اوج آرزوی ایشان این بوده است که جامعه مسلمین با اتحاد همدیگر و با تکیه به خداوند دست به دست هم داده و با کنار گذاشتن اختلافات درونی خویش یکدل شده و برای غلبه بر قدرت‌های مستکبر جهانی آماده شوند. ایشان در این باره به تفسیر آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» پرداخته می‌فرمایند: چنانچه ما عامل باشیم و با هم مجتمع باشیم و اجتماع داشته باشیم و این آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» را عمل به آن بکنید، مسلمین اگر همین یک آیه به آن عمل بکنند، غلبه می‌کنند بر همه قدرت‌های بزرگ. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۳۴). بنابراین معلوم می‌شود که محوری‌ترین اصل در یک نظام سیاسی حق‌محور آنگونه که در تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) به چشم می‌خورد عبارت است از پذیرش دین و قوانین الهی و همزمان با آن اجرای قوانینی است که در دین اسلام وجود دارد. البته بنابر بیان خود

قرآن کریم آن دینی که نزد خداوند دارای اعتبار است همان دین اسلام می‌باشد. در این زمینه در آثار امام(ره) به تفسیر آیه ۱۹ سوره آل عمران: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» برخورد می‌کنیم که ایشان با توجه به این آیه درباره قانون الهی چنین می‌فرمایند: «قانون‌های او ناچار همه‌اش بر پایه‌ی عدل و حفظ نظام و حقوق بنا نهاده شده[است.] و البته در قانون‌های آسمانی جنبه‌های منافع شخصی و نظرهای خصوصی و عوامل گوناگون این عالم به هیچ وجه دخالت ندارد؛ زیرا خدا از همه اینها مقدس و برکنار است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (کشف اسرار، صص ۱۸۳-۱۸۳).

البته در تعالیم اسلامی و آموزه‌های دین مبین اسلام همواره از مؤمن به عنوان فردی زیرک یاد شده است؛ به طوری که در دنیای صد رنگ و فریب می‌تواند از کیان دین پاسداری کرده و آن را حفظ کند. قرآن کریم مستقیماً در این باره در ضمن آیاتی به مؤمنان دستور داده تا از دوستی با کافران و منافقان کناره‌گیری کرده و در مواجهه با آنان روش تقیه را در پیش گیرند. حضرت امام خمینی(ره) معتقدند که: همانا خداوند مؤمن را از دوستی با کافران نهی کرد، سپس بر او منت گذاشت و به او اجازه داد-تا در ظاهر تقیه کند... مؤمن باید در باطن پیرو دین خدا باشد به خلاف آنچه در ظاهر به مخالف نشان داده می‌شود، مخالفینی که بر مردم ولایت دارند، خداوند متعال فرمود: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» (امام خمینی(ره)، الرسائل العشره، ص ۵۲-۵۳). البته ذکر این نکته بدان معنا نیست که مؤمن بخواهد از زیر بار مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کند زیرا برچینی بساط ظالمان و ستمگران جامعه در گرو همین امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. بنابراین عدم اجرای این فرائض جامعه اسلامی را تا مرز فروپاشی پیش خواهد برد. امام خمینی(ره) با حساسیت فراوانی که نسبت به اجرای این واجب الهی دارند؛ اذهان مردم را متوجه فهم معنای دقیق این واجب الهی کرده و در این رابطه در تفسیر آیه ۷۱ سوره توبه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» می‌فرمایند: «اولیای ما برای اسلام جان دادند؛ شما هم باید برای این امور آماده باشید... اگر امر به معروف و نهی از منکر به خوبی اجرا شود، دیگر فرایض قهراً برپا خواهد شد. اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، ظلمه و عمالشان نمی‌توانند اموال مردم را بگیرند، و به میل خود صرف کنند؛ و مالیات‌های مردم را تلف نمایند. امر به معروف و ناهی از منکر دعوت به اسلام و رد مظالم و مخالفت با ظالم می‌کند» (امام خمینی(ره)، ولایت فقیه، صص ۱۰۵-۱۰۶). البته برای پیش برد اهداف جامعه اسلامی و رسیدن به نقطه مطلوب در کنار امر به معروف و نهی از منکر شاید بهترین نقشی که مردم در یک جامعه اسلامی می‌توانند ایفا کنند این است که ثروتمندان آنان با بخشش بخشی از اموال خویش به نیازمندان و فقرا زمینه رفاه و تقویت تمام افراد جامعه را فراهم کنند به طوری که با برطرف شدن نیاز داخل کشور فقط به فکر ترویج دین اسلام به خارج از مرزهای خود باشند. بنابراین انفاق کردن بنیه‌های جامعه اسلامی را تقویت خواهد کرد شاید به همین منظور باشد که خداوند کریم دستور به انفاق داده است. امام(ره) با طرح این مسأله اشاره‌ای به آیه ۹۲ سوره آل عمران: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» کرده‌اند و در تفسیر آن می‌فرمایند: ریشه کن کردن هر حب دنیایی فقط به وسیله معامله به ضد امکان پذیر است پس کسی که می‌خواهد حبّ مادیات را از دل بیرون کند باید انفاق کند و در انفاق از چیزی ببخشد که آن را دوست دارد. ایشان حتی اعتقاد دارند که برای از بین بردن علاقه به ریاست و فخر و... اعمال ضدّ آنها را انجام دهند (امام خمینی(ره)، آداب الصلاة، صص ۵۰-۵۲).

هشیاری، ایمان به خداوند و ایمان به غلبه بر دشمنان

مهمترین عامل در حرکت مردم به سمت و سوی الهی شدن و برقراری جامعه‌ای مملوّ از معنویت و امنیت در هر عصر و دوره تاریخی بی شک مرهون راهنمایی‌ها و تلاش‌های بی وقفه علمای آن زمان بوده‌اند. بارزترین خصلت علمای هر عصری نیز

هشیاری و بیداری آنان در مواجهه با انواع دشمنی‌ها و خطراتی است که متوجه مردم و جامعه اسلامی است. امام(ره) در تفسیری که از آیه ۶۳ سوره مائده: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» ارائه داده‌اند، وظیفه علماء را مهم و سنگین می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «حضرت امیر عليه السلام این موضوع را با استناد به قرآن ذکر فرموده که علمای جامعه اسلامی هم عبرت بگیرند و بیدار شوند، و از ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر باز نایستند و در برابر هیئت‌های حاکمه ستمگر و منحرف سکوت ننمایند...سهل انگاری علما در وظایف، ضررش بیش از کوتاهی دیگران در انجام همان وظائف مشترک است...ما باید جلوی این غارتگری و حرامخوری را بگیریم. همه مردم موظف به این کار هستند، ولی علمای دینی وظیفه‌شان سنگین‌تر و مهم‌تر است» (امام خمینی(ره)، ولایت فقیه، صص ۹۵-۱۰۵). در کنار تمامی این اوصافی که ذکر شد مهمترین اصل در یک جامعه اسلامی که باید برای همه مردم و مسئولین مهم بوده و تکیه گاهشان باشد، ایمان به برتری و پیروزی بر کفار است. این خصوصیت باعث برانگیختن شوق تا رسیدن به خداوند خواهد شد. امام خمینی(ره) در جایی با تقسیم مردم به دو گروه حزب الهی و حزب شیطان، ضمن تذکر همه مردم به خود باوری و ایمان به پیروزی، آینده را از آن مسلمانان می‌داند. ایشان در این باره با تفسیر آیه ۵۶ سوره مائده:

«وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» چنین می‌فرمایند:

از اول عالم تا حال، دو حزب بوده است: یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و شیطانی... حزب‌های الهی، آثارش این است که روح خداست؛ یعنی، کوشش آن این است که دعوت به خود نکند و دعوت به خدا بکند؛ دعوت به طبیعت نکند و دعوت به الوهیت و ملکوت بکند...از باب اینکه «حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» حزب‌های دیگر هم که فرضاً مدتی بمانند و دست و پا بزنند مغلوب‌اند. و آن چیزی که لازم است برای همه افراد بشر، این است که توجه کنند که خودشان را در حزب خدا وارد کنند. انبیا هم برای همین آمدند؛ یعنی، اگر جنگ می‌کردند برای خدا بود و اگر صلح می‌کردند برای خدا و اگر دعوت می‌کردند برای خدا. و هیچ یک از انبیا را سراغ نداریم که گوشه‌گیری کرده باشد(صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۹۱-۱۹۲).

در نهایت تمامی آحاد ملت باید بدانند مسأله‌ای که باعث آرامش در جوامع بشری خصوصاً جامعه اسلامی می‌شود و از بسیاری خشونت‌ها و خرافه‌پرستی‌ها و ردائل اخلاقی جلوگیری می‌کند، ایمان و اعتقاد به بازگشت به سمت دار مجازات در سرای دیگر است. اعتقاد بر اینکه هر چند دنیا یک زندان تاریک است ولی روزی به روشنایی رسیده و آنجا به حساب همه افراد بشر رسیدگی خواهد شد. امام(ره) با این نگاه و با اشاره به آیه ۱۵۶ سوره بقره: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» جامعه‌ای را ترسیم می‌کنند که در آن چنین افرادی زندگی می‌کنند. ایشان با اشاره به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و با شوق و شور فراوان کسانی را می‌ستاید که به چنین مقامی رسیده‌اند که همه چیز را از خداوند می‌دانند و ایمان دارند که به نزد خداوند خویش باز خواهند گشت (امام خمینی(ره)، تقریرات فلسفه، ج ۱، ص ۷۵).

نظام‌های سیاسی باطل محور

در قرآن برای نظام‌های سیاسی طاغوتی و باطل مصادیق روشنی ذکر شده است. ذکر داستان حکومت فرعون، شیوه‌های باطل کارکردهای حکومتی او و نحوه رویارویی موسی با آن، ذکر حکومت‌های حق و باطل دیگر در قرآن، از جمله حکومت‌های هامان، نمود، عاد و ثمود- که البته همگی این حکومتها از نگاه قرآن غیر قابل قبول می‌باشند- دلیلی بر پرداختن قرآن به مقوله سیاست است (قاضی زاده، ص ۴۲). در این میان روشن‌ترین مصداق نظام‌های سیاسی باطل که در قرآن بارها به آن اشاره شده و حضرت امام خمینی(ره) نیز در ضمن بیانات خویش به دفعات به تفسیر آن پرداخته حکومت باطل فرعون است. در این باره به تفسیر آیه ۴ سوره قصص: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ». ترجمه: فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت، و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زیور می‌داشت: پسرانشان را سر می‌برید، و زنانشان را [برای بهره‌کشی]

زنده بر جای می گذاشت، که وی از فسادکاران بود». در تفسیر سیاسی امام خمینی (ره) اشاره می کنیم که ایشان به صراحت با غیر قابل قبول خواندن حکومت‌هایی نظیر حکومت فرعون، و ردّ مشروعیت آنها این چنین حکومت‌ها را مصداق واقعی و اتم «مفسد فی الأرض» می داند. ایشان می فرمایند: شرایط اجتماعی‌ای که ناشی از حاکمیت «طاغوت» و نظام شرک آمیز است لازمه اش همین فساد است که می بینید. این همان «فساد فی الارض» است که باید از بین برود؛ و مسبب آن به سزای اعمال خود برسند. این همان فساد است که فرعون با سیاست خود در کشور مصر به وجود آورد، و «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (امام خمینی (ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۶). البته در گام نخست اصلی ترین و مهمترین خصیصه‌ای که برای نظام‌های باطل می توان ذکر کرد، به طوری که تمام این نظام‌ها را با این خصیصه بتوان شناخت، این است که به غیر خداوند اعتقاد داشته و پرستش می کنند و چشم به راه کمک از غیر خداوند هستند. در این باره حضرت امام خمینی (ره) با تفسیر آیه ۱۸ سوره یونس، می فرمایند: چون مشرکین عرب، چنانچه دانستیم بیشتر بت پرست بودند و عبادت و پرستش اصنام و بتان می کردند، آیات قرآن بیشتر با اینها سروکار دارد و غالباً ابطال مذاهب آنان کند و در بسیاری از سوره‌های قرآن توبیخ آنان نماید، به بیان‌های مختلفه: «وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا...» (امام خمینی (ره)، کشف اسرار، ص ۲۰).

مسأله اساسی دیگر این است که در حکومت‌های فاسد و طاغوتی حاکمان آنها به خاطر منافی که از جهل و نادانی و گمراهی مردم نصیب خود می کنند، همواره در تلاش هستند تا مردم را از روشنایی‌ها جدا کرده و به سمت ظلمت هدایت کنند زیرا آگاهی مردم خطر بزرگی برای خودکامگی آنان محسوب می شود. به همین دلیل است که امام (ره) با توجه به آیه ۲۵۷ سوره بقره: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّن النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...» شغل طاغوت و کفار را همین امر می دانند و می فرمایند:

خدای تبارک و تعالی هم می‌فرماید که «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» طاغوت را در مقابل خودش قرار می‌دهد. خدای تبارک و تعالی شغل طاغوت را هم بیان می‌فرماید. همان طوری که خداوند ولی مؤمنین است و مؤمنین را از ظلمات، از همه انواع ظلمات و تیره‌گی‌ها به سوی نور می‌برد؛ در مقابل، ولی کفار طاغوت است، و آنها را از نور به ظلمات می‌کشد. این دو مطلبی است مقابل هم: اخراج از ظلمات به نور؛ ظلمت‌ها و تاریکی‌ها را زدودن و به نور رساندن ملت. در مقابل، نورها را از بین بردن و مردم را به ظلمت کشیدن. این شغل طاغوت است (صحیفه امام، ج ۹، ص: ۴۵۹).

امام(ره) همچنین در تفسیر خویش ضمن نکوهش حرام‌خواری و دروغ‌گویی تأکید می‌کنند که یکی از دشمنی‌های ستمگران و کفار نسبت به جامعه مسلمین و حکومت اسلامی تبلیغات حرام‌خواری و همچنین اقدام دروغ افکنی در اجتماع است که علماء و همه مردم باید با آن مبارزه کنند. ایشان در این زمینه با اشاره به آیه ۶۳ سوره مائده: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» می‌فرمایند: با اینکه باید از همه اموری که مخالف شرع است نهی کرد، روی «قول اثم»، یعنی دروغ‌پردازی و «اکل سحت»، یعنی حرام‌خوری تکیه کرده است تا بفهماند که این دو «منکر» از همه منکرات خطرناکتر است؛ و بایستی بیشتر مورد مخالفت و مبارزه قرار گیرد. چون گاهی گفتار و تبلیغات دستگاه‌های ستمگر بیش از کردار و سیاستشان برای اسلام و مسلمین ضرر دارد؛ و غالباً حیثیت اسلام و مسلمین را به مخاطره می‌اندازد (امام خمینی(ره)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۱۱۳).

نقش مردم در نظام‌های سیاسی باطل

همان‌گونه که از شاکله این نظام‌های طاغوتی و باطل پیداست بدون شک چنین جوامعی برای انسان هیچ ارزشی قائل نبوده و او را از تمام حقوق انسانی و حتی در برخی موارد از حقوق طبیعی خویش محروم می‌کنند. گذشته از این موارد باید به آن افزود که در چنین جوامعی به دلیل تبلیغات منفی گسترده‌ای که از سوی زمامداران انجام می‌پذیرد، ذهن مردم مغشوش بوده و در مورد مسائل به درستی تصمیم نمی‌گیرند که از جمله

می‌توان به حس تنفر نسبت به مسلمانان اشاره کرد. در نگاه امام(ره) مردمی که در نظام‌های باطل زندگی می‌کنند، به دلیل ستمگر بودن حکام آنها و همچنین به دلیل دوری از انوار معرفت الهی دلهاشان از فهم روحانیات کور شده و از ادراک معارف الهیه و فهم آیات ربانیّه محروم هستند. امام(ره) در این باره با اشاره به آیات ۷ و ۱۰ سوره بقره: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷)... فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰)» عقیده دارند که باید معرفت الهی بر دل‌های مردم حکومت کند و تنها عمل به ظواهر قواعد فقهی ملاک نیست و از کتاب خدا تنها نیکویی قرائت و یادگیری تجوید بی‌فایده است (امام خمینی(ره)، مصباح الهدایه، ص ۳۹). با توجه به همین دلایل است که ایشان همواره از خداوند می‌خواهند که او را حفظ کرده و همانند آنان نباشد و وی را از این گونه ظلمت‌ها نجات دهد. بنابراین مردمانی که در کشورهای طاغوتی و کفار زندگی می‌کنند به سبب خصلت حاکمان خویش و همچنین به دلیل فضای موجود داخل کشورشان و تبلیغات سوئی که متوجه اذهان آنان می‌شود اقدام به تهمت‌زنی به مسلمانان کرده و آنها را تروریست و تروریست‌پرور می‌نامند. حضرت امام(ره) با تیزهوشی خویش و با توجه به انسی که با آیات الهی داشته‌اند، حتی به این زمینه نیز توجه کافی داشته و در این باره در تفسیر آیه ۵۴ سوره آل عمران، می‌فرمایند: «می‌بینیم که تهمت‌های تروریستی و تروریست‌پروری، که به خیال سردمداران کاخ سفید و ایادی آنان و دستگاه‌های تبلیغاتی وابسته به ابرجنایتکاران برای تضعیف جمهوری اسلامی به طور چشمگیر و فزاینده‌ای در کار است، به خواست خداوند متعال نتیجه معکوس داده و موجب تضعیف روحیه دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی و تقویت روحیه ملت ما، بویژه رزمندگان و سایر ملت‌های مظلوم و مستضعف، گردیده است «و مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» و از جمله، دفاع حق تعالی و معکوس کردن مکر کاخ سفید این است که تروریست‌پروری سردمداران کاخ سیاه امریکا بر سر زبانها، حتی روشنفکران امریکا، افتاده است (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۳۵)».

نتیجه گیری

قرآن کریم همواره به عنوان غنی‌ترین و ارزشمندترین منبع استخراج برنامه بشری مطرح بوده و تأثیر بسیار مهمی در زندگی فردی و سیاسی وی دارد. یکی از راه‌های به دست آوردن این برنامه‌ها رجوع به تفاسیر علماء و اندیشمندان و فهم دیدگاه‌های قرآن در باب سیاست است تا بتوان پیام‌های الهی را به درستی دریافت کرده و در زندگی سیاسی-اجتماعی به کار برد. بدین منظور با رجوع به آراء و دیدگاه‌های امام خمینی(ره) در این رابطه به این نتیجه می‌رسیم که ایشان به عنوان یک اندیشمند اسلامی توانسته‌اند موضوعات قرآنی را در عرصه سیاست-چه داخلی و چه بین الملل- وارد سازند. یکی از موضوعاتی که در این تحقیق تلاش شده تا از تفسیر سیاسی امام خمینی(ره) استخراج گردد، بحث نظام‌های سیاسی و کارکردهای آنها در قرآن کریم است. ایشان با اتکاء به آیات الهی به چند نمونه از پیامبرانی اشاره می‌کنند که اقدام به نمایش گوشه‌ای از نظام سیاسی- الهی کرده‌اند و در این مسیر توفیقاتی نیز داشته‌اند. در نگاه امام خمینی(ره) اساسی‌ترین مسأله برای برپایی نظام سیاسی اسلامی در گام نخست شناخت اهداف آن می‌باشد که ایشان هدف اصلی را برپایی عدالت بر روی زمین و از بین بردن هر گونه فساد می‌دانند. در گام دوم قوام این نوع از نظام را ایشان در رهبری آن می‌بینند و برای رهبر این نوع نظام سیاسی شرایطی را با توجه به فرامین الهی ذکر می‌کنند که مهمترین آن شرایط علم به قانون و شناخت دستورات خداوند و عادل بودن رهبر می‌باشد. در باور ایشان با توجه به قرآن نظام‌های سیاسی به دو گروه حق و باطل تقسیم شده و به تناسب هر کدام دارای کارویژه‌های مخصوصی هستند. از جمله مهمترین کارکردهای نظام‌های سیاسی حق محور می‌توان به، دعوت مردم به توحید و قیام برای خداوند و برپایی عدالت در جامعه اشاره نمود و همچنین از جمله اصلی‌ترین کارکردهای نظام‌های باطل می‌توان به ایجاد فساد در روی زمین اشاره کرد. در نگاه ایشان نظام‌های حق محور نظام‌های سیاسی- الهی بوده و نظام‌های باطل محور نظام‌های طاغوتی لقب می‌گیرند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، چ ۶، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۰.
 ۲. قاضی زاده، کاظم، اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، تهران، ۱۳۷۷.
 ۳. خمینی، امام سیدروح الله، کشف اسرار[بی تا].
 ۴. خمینی، امام سیدروح الله، مصباح الهدایه إلى الخلافه و الولایه، با مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۲-۵-ش.
 ۵. خمینی، امام سیدروح الله، ولایت فقیه(حکومت اسلامی).
 ۶. خمینی، امام سیدروح الله، تقریرات فلسفه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
 ۷. خمینی، امام سیدروح الله، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ ۷، تهران، ۱۳۸۷.
 ۸. خمینی، امام سیدروح الله، تفسیر سوره حمد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران، ۱۳۷۵.
 ۹. خمینی، امام سیدروح الله، صحیفه امام(۲۳جلد) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، تهران؛ ۱۳۷۸.
 ۱۰. ایازی، سید محمدعلی، تفسیر قرآن مجید برگرفته از آثار امام خمینی ره، چاپ و نشر عروج، (دوره ۵جلدی)، قم، ۱۳۸۴.
 ۱۱. حسنی، ابوالحسن، و جمعی از پژوهشگران، مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
 ۱۲. خان محمدی، یوسف، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
 ۱۳. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، نشر نی، چ ۱۴، تهران، ۱۳۸۵.
 ۱۴. فیرحی، داود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، چاپ دهم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.
 ۱۵. فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، چاپ هفتم، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
 ۱۶. لکزایی، نجف، اندیشه سیاسی صدرالمتألهین، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.
 ۱۷. لکزایی، نجف، درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی ره، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۷.
 ۱۸. بهروزی لک، غلامرضا، دهقانی فیروزآبادی، مصطفی، مبانی سیاسی قرآن کریم در تفاسیر، مجله: قرآن و علم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۲، صفحه ۱۰۹-۱۲۴.
 ۱۹. بهروزی لک، غلامرضا، رویکردهای مطالعات سیاسی در قرآن کریم، مجله: پژوهش های سیاست اسلامی، تابستان ۱۳۹۲، سال اول - شماره ۲، (۲۴صفحه - از ۳۹ تا ۶۲).
 ۲۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، روش شناسی تفسیری امام خمینی(ره) و جایگاه آن در بین روشهای تفسیری فریقین، نشریه طلوع، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۵.